

(1) جناب وزارت ماب آصف صفات معدلت ایاب صاحب قران اعظم ناظم الامم کامل امور مهام الجمهور فی العالم حضرت اسحاق پاشاه (2) اعلى الله تعالی شانہ و صانه عما شانه وفور سلام از فرط التفات و توجه خاطر خورشید مائر مبلغ داشته (3) بهمکی همت ملتفت و متوجه انتظام امور امنیت و التیام اسباب جمعیت می باشد حصول البقا باحسن وجوه محصل باد (4) بعد ما انها انکه بعد از دفع و قلع جهانشاه میرزا بر حسب التماس و<sup>1</sup> استغاثت<sup>1</sup> قویمان ازربایجان عنان عزیزیت بدان صوب (5) معطوف شد و چون در ان حوالی نزول اجلال فرمودیم حسن علی را جای اقامت نماند و مردم او از یکدیگر متفرق شدند و روی (6) براه هزیمت نهادند و همکی قلاع و بقاع و ولایات ازربایجان در حوزه اقتدار و قبضه اختیار نواب نامدار درآمد (7) و همکی رایا و<sup>1</sup> برایارا<sup>2</sup> بمناقب عدالت و مرحمت مرتب کشند در ان اثنا خبر رسید که سلطان ابوسعید میرزا با تمام مجموع و زیاد از امرای (8) چقاتای لشکرا از حدود خطا و ترکستان و هند وستان و خراسان و عراق و فارس و کرمان و سایر ممالک و بلاد خود جمع کرده (9) با شصت هزار<sup>1</sup> عرابه<sup>3</sup> و جبه متوجه ازربایجان کشته بسلطانیه رسیده مبنی بر اتحاد و انقیاد که میانه خاندان مغفور اقام و سلطان مبرور امیر تیمور (10) مرعی بود ما نیز بهماندستور رعایت نموده از اتحاف تحف و ارسال صحف و تضمین خطبه و تعیین سکه بجای آوردیم و مکررا کس فرستاده استدعاء (11) مراجعت او نمودیم قبول نکرد و کوچ کرده در مغانات بعزم رزم نزول نمود چون اثار ناانصافی و امارات طمع کاذب از صفحه احوال او ظاهر بود (12) بحسب دفع الصائل واجب بمقابله او جزم فرمودیم و در روز جمعه<sup>1</sup> ۱۳<sup>1</sup> رجب<sup>4</sup> سید مزیدارغون و تمام ارکان دولت او که بقراول آمده بودند

<sup>1</sup> Das Wort könnte man auch استعانت (mit der gleichen Bedeutung) lesen.

<sup>2</sup> Die Endung را ist zu tilgen. <sup>3</sup> Die Kontamination zwischen den Wörtern عرابه und عراده findet sich auch in anderen Werken (z. B. Aḥsanu't-tawāriḫ I, p. 145). Zum Ausdruck s. Dokumente Nr. 4, Anm. 5 und Nr. 11, Anm. 11. <sup>4</sup> Das Datum ist, vielleicht nachträglich, über die Zeile geschrieben.

دستگیر دولت شدند (13) و در روز یکشنبه سلطان ابو سعید چون جای اقامت ندید  
هزیمت نموده فرار اختیار کرد و فرزند اعز اکرم دولتیاب جوانبخت<sup>1</sup> کامکار<sup>2</sup> عضد  
الدین سلطان خلیل بهادر (14) از پی رسیده او را با تمام اولاد گرفته آورد و تمام بلاد او از  
عراق و فارس و کرمان و خراسان در حوزه اقتدار در آمد و بعضی از امرای چغتای  
که (15) روی امنیه بدرگاه عالمپناه آورده بودند بمراحم پادشاهانه مشرف فرموده ملازم  
پادشاهزاده اعظم منظور انظار پروردگار غیاث الدین یادگار میرزا نمودیم (16) و ماورا  
النهر و خراسان بدو ارزانی فرموده روانه داشتیم و حکام و اکابر ولایات که همراه او  
بودند همگی بخلاعت شفقت مشرف داشته بحکومت هر جا فرستادیم وظیفه آنکه (17) بدین  
مژده مبنیج بوده ابواب مراسلات و رفع حالات و عرض حاجات مفتوح دارد و در ازبک  
مواد محبت و هواداری کوشیده شرائط ان اقدام فرمایند (18)<sup>1</sup> زیاده مرقوم نشد دولت  
در ترقی و تزیید باد<sup>6</sup>

(19)<sup>7</sup> درین ولا معتمد الحضرت و مفخر الاعیان جهانشاه بدرگاه جهانپناه پادشاه  
(20) فرستاده شده وظیفه اهتمام و التفات و تربیت و اسعاف دریغ نفرمایند

المشتاق بخیر

حسن بن علی بن عثمان<sup>8</sup>

<sup>5</sup> Das Wort wurde fehlerhaft geschrieben. <sup>6</sup> Die 18. Zeile wurde in zwei voneinander deutlich getrennten Einheiten geschrieben. <sup>7</sup> Von hier ab auf den Rand geschrieben. <sup>8</sup> Auf den Rand in Höhe des Zwischenraumes der 13.-14. Zeile geschrieben.